

## مفهوم مجلس در خیار فسخ مجلس نسبت به معاملات نوین

کمال رئوف

دانشجوی مقطع دکتری گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

نام نویسنده مسئول:

کمال رئوف

### چکیده

با توجه به بازتولید احکام عقود مکاتبه ای سنتی و پاره ای استدلال های فقهی معاصر و بیان احکام آن در خصوص معاملاتی که نوعا بوسیله نامه نگاری و تلگراف یا نهایتا تلفنی صورت می گیرد، روند سیر فقها در راستای تبیین معاملات الکترونیکی یا برخط به نحوی بوده که قانونگذار منتظر تبیین و افتاء از جانب فقها باقی نمانده و اقدام به تصویب و اجرای قانون تجارت الکترونیکی نموده است. زمانی که قانونگذار و بعضی از فقها این گونه معاملات را به مانند بیع سنتی تلقی نموده و عمدتا همان احکام را بر آن جاری کرده اند، بنابراین نیاز به بازتولید مفاهیم و تاسیسات حقوقی و فقهی با توجه به روند معاملات امروزی و نیز معاملات فی مابین افراد حرفه ای که همچنان رو به گسترش است احساس می شود. از این سو باید به تبیین مفهوم امروزی مجلس و خیار مجلس برخط در معاملات بپردازیم. **واژگان کلیدی:** مفهوم امروزی مجلس، خیار مجلس برخط، مجلس بیع الکترونیکی.

**مقدمه**

در عقد بیع تا زمانی که دو طرف معامله در مجلس عقد حضور دارند و مجلس زمان اجرای عقد را بهم نزده باشند، می‌توانند معامله انجام گرفته را فسخ نمایند، اما بحث بر سر این است که وقتی مفهوم مجلس در عصر حاضر با توجه به تغییرات شکلی معاملات مربوط به خرید و فروش کالا و خدمات، من جمله از طریق تلفن و اینترنت، معاملات از راه دور و رواج پیدا کردن معاملات لحظه ای در بورس و از طریق ویدیو کنفرانس، سفارش و خرید از فروشگاه های مجازی و امثالهم که هر روز در حال پیشرفت، و تکثیر هستند، آیا باید همچنان با تکیه بر تفاسیر سنتی از مفهوم مجلس در اجرای خیار فسخ مجلس، موضوعات را تفسیر و یا دادرسی نمود؟ اما اگر به هر دلیلی طرفین عقد بیع شرط کنند که به محض اجرای عقد هیچ کدام حق بهم زدن آن را نداشته باشند، این حق را شارع در اختیار دوطرف قرار داده که با توسل به اصل حاکمیت اراده بتوانند خیار مجلس را از خود سلب و ساقط نمایند. همچنین وضعیت و کلایه که از جانب طرفین معامله برای ایشان یا خود معامله می کنند چگونه است و آیا می توان خیار مجلس را در این موارد جاری دانست؟ لذا این پژوهش در صدد پاسخی فقهی و قانونی به این سوالات می باشد.

**مبحث یکم- بررسی فقهی و حقوقی موضوع****۱-خیار**

واژه خیار اسم مصدر اختیار است یا مصدری است به معنی اختیار (کاتوزیان ۱۳۹۵:۵۳) و اصطلاحاً عبارت از توانایی طرف معامله بر فسخ و انحلال عقد می باشد. شیخ انصاری (ره) می‌فرماید: الخیار لغةً اسم مصدرٍ من «الاختیار»، غلب فی کلمات جماعه من المتأخرین فی «مِلْکِ فسخ العقد (پایانی، عباسی زنجانی ۱۳۹۶:۲۱). در پاسخ به این سوال که مبنای خیار عنوان شده است می توان آنها را به دو گروه تقسیم کرد: ۱- نظرهایی که خیار فسخ را بر پایه حکومت اراده و مفاد تراضی توجیه می کند و ۲- نظرهایی که مبنای خیار را جبران ضرر ناروا و احرای عدالت اجتماعی در قراردادها می داند (کاتوزیان ۱۳۹۵:۵۸). مبنای اصلی خیار بر پایه غلبه یکی از دو اصل حکومت اراده و لاضرر است مگر اینکه مبانی دیگری احراز شود (همان: ۶۵). اثر مهم خیار انحلال عقد لازم است (همان: ۷۶)

**۲-مجلس**

شیخ انصاری در مکاسب در خصوص مجلس می گوید: "و المراد بالمجلس مطلق مکان المتبايعین حين البيع، و إنما عبر بفرده الغالب، و إضافة الخیار إليه لاختصاصه به و ارتفاعه بانقضائه الذی هو الافتراق...". مراد از مجلس مطلق مکان طرفین عقد بیع است چون غالباً عقد در حال نشسته صورت می گیرد و اضافه شدن خیار به بیع از این جهت است که این خیار اختصاص به بیع دارد و در سایر عقود، خیارمجلس وجود ندارد و انقضای این خیار تا وقتی است که هر دو طرف ازهمدیگر جدا نشده نباشند. شیخ طوسی نیز نزدیک به همین معنی را از خیار مجلس ارائه داده و در کتاب المبسوط این گونه بیان می نماید: «...أن یعقد العقد بالإيجاب و القبول فیثبت لهما الخیار ما لم یتفرقا بأبدانهما، و یمی هذا خیار المجلس» (همان ۱۳۹۶:۴۴).

**۳- خیار مجلس**

بر اساس ماده ۳۹۷ قانون مدنی تعریف خیار مجلس از این قرار است: «هریک از متبايعین بعد از عقد، فی المجلس و مادام که متفرق نشده اند اختیار فسخ معامله را دارند». مهلت اجرای آن تا پایان مجلس عقد است و پس از جدا شدن خریدار و فروشنده از بین می رود (کاتوزیان ۱۳۹۵:۷۴). بر اساس ماده ۴۵۶ قانون مدنی تمام انواع خیار در جمیع معاملات لازمه ممکن است موجود باشد، مگر خیار مجلس و حیوان و تاخیر ثمن که مخصوص بیع است. در ماده ۳۹۶ قانون مدنی خیار احصاء شده اند که اولین آنها به خیار مجلس نام گذاری شده به این دلیل که طرفین عقد بیع در غالب موارد به صورت نشسته و اصطلاحاً در مجلس، عقد را منعقد می نمایند و این نباید این توهم را ایجاد نماید که چنانچه طرفین عقد هنگام انجام معامله نشسته باشند، نمی توانند از خیار مجلس استفاده کنند. بنا بر این ممکن است طرفین عقد بیع در حال راه رفتن عقد بیع را واقع سازند یا درحالت های دیگر عقد بیع را منعقد نمایند. ملاک این است که طرفین پس از تشکیل عقد تا زمانی که از یکدیگر جدا نشده اند می توانند عقد بیع را فسخ کنند. همچنین ماده ۴۴۹ قانون مدنی نیز در اجرای حق فسخ اعلام می نماید که فسخ به هر لفظ یا فعلی که دلالت بر آن نماید حاصل می شود.

باید توجه داشت همان طور که بیان شد ملاک از بین رفتن خیار مجلس جدایی و افتراق طرفین معامله از یکدیگر می باشد. بنابراین صرف ترک مجلس عقد تا زمانی که طرفین از هم جدا نشده اند اثری در سقوط خیار مجلس ندارد.

همچنین شهید اول در لمعه دمشقیه در کتاب متاجر و در باب خیار می افزاید ((این خیار بواسطه وجود حائل از بین نمی رود. و نیز اگر بایع و مشتری مجلس عقد را ترک گویند اما از هم جدا نشوند خیار مجلس همچنان باقی است (غروی و شیروانی ۱۳۷۳:۲۴۸:۱).

قید مجلس در ماده ۳۹۷ ق.م ناظر به مورد غالب است که خروج از آن وسیله جدا شدن دو طرف می شود. آنچه اهمیت دارد جدایی واقعی است خواه در مجلس عقد رخ دهد یا خارج از آن (کاتوزیان، ۱۳۸۳:۳۲۰). موافق با همین نظریه، اداره حقوقی قوه قضاییه طی نظریه شماره ۲۳۵۴/۷ مورخ ۱۳۹۷/۴/۶ در خصوص خیار مجلس اعلام داشته: ((معمولا در اسناد رسمی مربوط به معاملات قطعی، اسقاط کافه خیار قید می شود و طرفین آن را امضا می کنند، اگر سندی دارای چنین عبارتی باشد و طرفین آن را امضا کرده باشند کلیه خیارات من جمله خیار مجلس ساقط خواهد بود. در صورتی که چنین عبارتی قید نشده باشد، چون خیار مجلس تا زمانی است که متعاملین از هم جدا نشده اند با خروج خریدار از دفترخانه و ترک آن محل افتراق حاصل گردیده است خیار مجلس ساقط است)).

امام خمینی (ره) نیز در تحریر الوسیله در باب خیارات می فرماید: اگر به یک قدم از هم جدا شدند و عرفا جدا شدن با آن یک قدم صدق کند خیار هر دو ساقط می شود و بیع لازم می گردد. و اگر هر دو از مجلس معامله جدا شوند ولی خودشان با هم باشند خیار باقی می ماند (کیایی، ۱۳۸۸:۴۶۸).

عناصری برای خیار مجلس وجود دارد که ما هم برای روشن شدن موضوع آن عناصر را به شرح ذیل به صورت احصاء شده می آوریم (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷:۲۸۳):

#### الف) عقد بیع

بنابر قول مشهور، خیار مجلس تنها در عقد بیع ثابت است و در دیگر عقود جریان ندارد.

#### ب) تعدد بایع و مشتری

ظاهر نصوص خیار مجلس، دلالت بر این عنصر دارد. پس اگر یکی از طرف بایع و مشتری وکیل در بیع باشد ظاهراً نمی تواند خیار مجلس را اعمال کند اما ملاک نصوص خیار مجلس به او اذن استفاده از خیار مجلس را می دهد اگر موکلان از جلسه عقد بیع، غایب باشند زیرا توکیل با غیبت مذکور ظهور دارد در اینکه وکیل مذکور حق استفاده از خیار مجلس را دارد. این وکیل اگر مکان عقد را ترک کند حق ندارد از خیار مجلس استفاده کند.

#### ج) مکان اجتماع بایع و مشتری

در بیع غائبین این عنصر وجود ندارد مع ذلک غزالی تصور خیار مجلس را در عقد غائبین کرده است.

#### د) بیع خاتمه یافته باشد

پس در بیع صرف و سلم قبل از قبض، خیار مجلس نیست. (همان). درباره ایجاد خیار در بیع صرف و زمان آن اختلاف شده و جاری نبودن خیار در آن ارجحیت دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۳:۳۲۰).

### ۴- معنا و مفهوم افتراق

شهید ثانی (ره) این گونه بیان نموده است: «و إنما المعتبر عدم التفرق إما تجوزاً فی إطلاق بعض أفراد الحقیقه، أو حقیقه عرفیه». افتراق؛ یعنی جدا شدن خریدار و فروشنده از یکدیگر. مراد، افتراق عرفی است نه عقلی، که با به هم خوردن عرفی اتصال موجود بین دو طرف معامله هنگام عقد، تحقق می یابد، به شرط آنکه جدایی به اکراه نباشد. گروهی، عدم سقوط خیار در صورت اکراه را بر عدم قدرت طرفین بر اعمال خیار مشروط کرده اند. در تعریف تفریق آمده: «فاصله بین متبایعین زیاده از اندازه ای باشد که در حال وقوع عقد با هم داشته اند و انواع آن را دو نوع بدنی و روحی ذکر کرده اند.» با این وصف، نظر خلاف نیز وجود دارد که معتقد است، بقاء خیار مجلس تا زمان قبل از جدایی طرفین در مجلس عقد است و بعد از برهم خوردن این مجلس، عقد لازم می شود (پایانی، عباسی زنجانی ۱۳۹۶:۱۰۸).

در خیار مجلس پاره ای از فقیهان گفته اند که با مرگ یکی از دو طرف در مجلس عقد بین آن دو جدایی می افتد و مدت خیار پایان می پذیرد. پس وارثان او در صورتی می توانند از خیار استفاده کنند که در آن مجلس حاضر باشند. گروه دیگر تأیید کرده اند که خیار باقی می ماند تا خبر مرگ به آنان برسد و آنگاه همانند موردی که جدایی به اکراه صورت می پذیرد آنان می توانند به قائم مقامی مورث اقدام کنند. نظر نخست با اینکه طرفدار کمتری دارد و تنها احتمال داده شده است با اصل لزوم قراردادهای و استواری معاملات سازگاری بیشتری دارد و به همین جهت در خیار مجلس از آن پیروی شد (کاتوزیان ۱۳۹۵:۱۰۲).

شیخ انصاری معتقد است اگر حرکت از هر دو طرف عقد صورت می گیرد عدم مصاحبت و همراهی یکی با دیگری در صدق افتراق مزبور شرط می باشد (خاتمی، بی تا: ۴۶).

بعضی از حقوقدانان معاصر معتقدند که اگر خرید و فروش بوسیله تلفن بعمل آید، مادامی که طرفین وضعیت حال معامله را نگاه داشته، خیار مجلس باقی خواهد بود و بمحض اینکه یک از آنها از آن مکان خارج شد و آن وضعیت به هم خورد چون تفرقی که متناسب با آن وضع بوده حاصل گردیده خیار ساقط خواهد شد (بروجردی عبده، ۱۳۳۹:۹۸).

## مبحث دوم: خیار مجلس در عقود مکاتبه ای یا از راه دور:

### ۱- انعقاد عقد بوسیله مکاتبه یا همان نامه نگاری:

به نظر بعضی از حقوقدانان در عقد با مکاتبه خیار مجلس وجود ندارد و در عقدی که با تلفن انجام می شود راه نیافتن خیار مجلس قوی تر است (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۳۲۰). به نظر نگارنده شاید دلیل این اظهار نظر این است که در عقود مکاتبه ای نمی توان مجلس عقدی برای این گونه معاملات متصور شد. اما در خصوص معاملات الکترونیکی، وضع به گونه ای دیگر است، که در ادامه به آن می پردازیم. با این حال عده ای اعتقاد دارند منظور از اتحاد مجلس حصول ایجاب و قبول در مکان واحد نمی باشد هرچند که این مساله غلبه دارد بلکه مراد از مجلس اعم از این است و آن باقی ماندن هریک از موجب و قابل در همان مکانی است که عقد در آن جریان یافته ولو اینکه متباین از طریق تلفن یا غیر آن معامله ای صورت دهند اما اگر آنجا را ترک نمایند تفرق حاصل می شود و خیار باقی نمی ماند (خاتمی، بی تا: ۳۴). اگرچه قانون مدنی ایران در مورد عقد غائبین ساکت است، نمی توان در صحت آن تردید کرد زیرا عرف تجاری آن را پذیرفته و دلیلی بر بطلان آن در قوانین موضوعه یافت نمی شود (ایزدی، کاویار، حسنجانی ۱۳۹۲).

اما باید در اینجا قائل به تفکیک شد. چراکه در عقد مکاتبه ای یا همان نامه نگاری از نوع ارسال نامه پستی که شکل سنتی عقد غائبین می باشد، به هیچ عنوان نمی توان برای آن مجلسی متصور شد چراکه نه از نظر فیزیکی قابل ایجاد است و نه از نظر ارتباط معنوی، اما در معاملات برخط شبکه ای (انلاین) و تلفنی که طرفین با یکدیگر به صورت اینترنتی یا تلفنی متصل می باشند، مجلس معامله قابل تصور است.

### ۲- معاملات الکترونیکی برخط (انلاین) و تلفنی:

با توجه به رشد روز افزون این گونه معاملات و نیز احکام رو به تکامل مربوط به آن می توان برای این گونه معاملات که معمولاً در تالارهای الکترونیکی یا محیط خاصی اجرا و انجام می شود، مجلس عقد را تصور کرد. بویژه اینکه تمام حرکات و تراکنش های طرفین در واسط های الکترونیکی ثبت و ضبط می شود و تشخیص ورود و خروج طرفین معامله از محیط معامله الکترونیکی بوضوح قابل کنترل و تشخیص است. قانونگذار ایرانی در ماده ۳۵ قانون تجارت الکترونیکی مقرر می دارد: ((اطلاعات اعلامی و تأییدیه اطلاعات اعلامی به مصرف کننده باید در واسطی با دوام، روشن و صریح بوده و در زمان مناسب و با وسایل مناسب ارتباطی در مدت معین و براساس لزوم حسن نیت در معاملات و از جمله ضرورت رعایت افراد ناتوان و کودکان ارائه شود))، بنابراین اصولی همچون حسن نیت و تفسیر به نفع طرف ضعیف، توسط قانونگذار در نظر گرفته شد (رئوف، ۱۳۹۷: ۵). از طرفی اگر قائل به این هستیم که تمام احکام انعقاد یک عقد بیع در فضای مجازی، قابل تصور است، پس می توان حکم خیار مجلس را نیز در این گونه معاملات جاری و ساری نمود. قانونگذار در بند (ص) از ماده ۲ قانون تجارت الکترونیکی «عقد از راه دور» (Distance Contract) را اینگونه تعریف می نماید: «ایجاب» و «قبول» راجع به کالاها و خدمات بین تأمین کننده و مصرف کننده با استفاده از وسائل ارتباط از راه دور است. بنابراین قانونگذار با استفاده از لفظ ایجاب و قبول در تعریف عقد از راه دور، در صدد بیان قانونی و مشروع بودن این گونه معاملات است. اگرچه در قوانین موضوعه ایران، مبانی تفسیر قراردادها به صورت بخشی مستقل تدوین نشده است، اما گذشته از وجود ابزاری همچون اصول فقه (بویژه مبحث الفاظ) و قواعد فقهی از جمله قاعده فقهی «العقود تابعه للقصود» که قراردادها را تابع قصد طرفین می داند، مواد قانونی بسیاری بصورت پراکنده وجود دارد که قاضی بر اساس آنها باید قرارداد یا عقد فی مابین طرفین را تفسیر کند. من جمله مواد ۲۲۳ و ۲۲۴ و ۲۲۸ قانون مدنی و یا ماده ۲۲۰ قانون مزبور که طرفین قرارداد را ملزم به نتایج عرفی آن ساخته و ماده ۲۲۵ از همان قانون که متعارف بودن امری را در عرف و عادت هم پایه ذکر آن در عقد می داند، همگی از مبانی تفسیری در تشکیل یا اجرای عقود هستند (همان، ۷). ولی در قانون [مدنی] هیچ معیار مشخصی ارائه نشده است به نظر می رسد که قانونگذار نظر عرف را در این زمینه پذیرفته است (ایزدی، کاویار، حسنجانی ۱۳۹۲).

باید متذکر شد که در ماده ۳۷ قانون اشاره شده، در هر معامله از راه دور، مصرف کننده باید حداقل هفت روز کاری، وقت برای انصراف (حق انصراف) از قبول خود بدون تحمل جریمه و یا ارائه دلیل داشته باشد. اگرچه در اینجا از مصرف کننده یاد شده اما به هر حال وقوع عقد بیع فی مابین طرفین قابل تصور است. لکن قانونگذار تلاش کرده تا علاوه بر احکام مربوط به داد و ستد، با تاسیس چنین حقی از مصرف کننده، حمایت بیشتری بعمل آورد. بنابراین قائل بودن به امکان اعمال خیار فسخ مجلس و تصور مجلس عقد در فضای الکترونیکی غیرممکن نیست. اما نکته قابل توجه این است که قانونگذار در اینجا حقی فراتر و گسترده تر از خیار مجلس برای مصرف کننده ایجاد کرده، خیار فسخی که مصرف کننده می تواند در مهلت ۷ روز از خرید کالا بصورت الکترونیکی، عقد بیع را برهم زده و کالا را مرجوع نماید. قانونگذار در قانون اشاره شده در خصوص اعتبار قانونی ارجاع در داده پیام به صراحت از واژه های «عقد» و «اراده طرفین» در فضای مجازی استفاده نموده و در ماده ۱۷ عنوان داشته: «ارجاع در داده پیام» در موارد زیر معتبر است: الف-مورد ارجاع به طور صریح در «داده پیام» معین شود. ب-مورد ارجاع برای طرف مقابل که به آن تکیه می کند روشن و مشخص باشد. ج- «داده پیام» موضوع ارجاع مورد قبول طرف باشد. در مواد ۲۲۳ و ۲۲۴ قانون مدنی ایران در آن قانونگذار، الفاظ عقود را محمول بر معانی عرفیه دانسته و از طرفی عقود و معاملات را

ابتدائاً محمول بر صحت فرض کرده مگر خلاف آن ثابت شود. همچنین بموجب ماده ۱۹۴ از قانون یاد شده، قانونگذار، بیان دانسته که الفاظ و اشارات و اعمال دیگر که متعاملین بوسیله آن انشاء معامله می نمایند باید موافق باشد. افزون بر این در ماده ۵۱۱ قانون مزبور از ترکیب "قصد طرفین" استفاده شده است. همین شیوه در قانون فرانسه بیان شده است (رتوف، ۱۳۹۷:۹).

## مبحث سوم- اعمال خیار در موارد وکالت و معامله با خود

### ۱- اعمال خیار توسط وکیل از جانب یکی از طرفین عقد

انعقاد عقد ممکن است به وکالت از یک یا هر دو طرف معامله صورت گیرد. ماده ۱۹۸ قانون مدنی در این خصوص مقرر می دارد: «ممکن است طرفین یا یکی از آنها به وکالت از غیر اقدام بنماید و نیز ممکن است یک نفر به وکالت از طرفین متعاملین این اقدام را به عمل آورد.» در مورد اخیر، یک شخص می تواند از ناحیه خود به عنوان اصیل و از طرف دیگری به عنوان وکیل مبادرت به انعقاد عقد نماید که اصطلاحاً «معامله با خود» گفته می شود، مثل این که ولی قهری مال خود را به فرزندش بفروشد و یا از او چیزی به خود انتقال دهد و یا این مال یکی از دو فرزند تحت ولایت خود را به دیگری بفروشد. در شرح ماده ۱۹۸ بیان شد که مفاد این ماده ویژه وکالت نیست و در نمایندگی قانونی و قضایی نیز اجرا می شود. در هر حال، خیار مجلس برای متبایعین خواهد بود، خواه طرفین مالک باشند یا وکیل یا یک طرف مالک و طرف دیگر وکیل و نیز در جایی که عقد بیع از هر دو طرف بواسطه وکیل انجام گرفته باشد و خود متبایعین در آن مجلس حاضر باشند، به تفریق وکلاء خیار ساقط نمی شود، بلکه تا وقتی از طرفین معامله، دو نفر در مجلس باقیمانده اند، اعم از اصیل یا وکیل، خیار باقی است. بنابراین از آنجائی که در خیار مجلس، تعدد واقعی طرفین ملاک عمل بوده و فرض قانونگذار نیز مبتنی بر همین امر بوده، اما در «معامله با خود»، تعدد واقعی طرفین وجود نداشته و این تعدد اعتباری است، موجب گردید تا این پرسش مطرح شود که آیا در معامله با خود، اساساً خیار مجلس وجود دارد یا خیر؟ در صورت وجود، مدت آن تا چه زمانی است؟ آیا همیشگی است یا پس از مدتی از بین می رود، در صورت اخیر، زوال آن چه زمانی است و علت آن چیست؟ (مختاری، ۱۳۹۴).

### ۲- خیار مجلس برای وکیلی که از جانب طرفین عقد معامله می کند

در این خصوص سه صورت متصور می باشد: اول اگر صرفاً در اجرای عقد دارای وکالت بوده، بعضی فقها معتقد به حق داشتن فسخ معامله به لحاظ خیار مجلس می باشند هر چند که اصیل مانع شود. اگر وکالت در اجرای عقد همراه با داشتن حق تصرف در مال مالک داشته باشد دو حالت متصور است اول وکیلی که در تصرف استقلال دارد در این خصوص حق اعمال خیار فسخ را دارد. دوم وکیلی که در تصرف استقلال ندارد مانند این که به او بگویند فلان مال را برایم خریداری کن که به نظر شیخ انصاری وکیل خیار مجلس ندارد. سوم وکیل صرفاً وکالت معاوضه مال را دارد به نظر شیخ انصاری برای این وکیل هم خیار متصور نمی باشد. شیخ انصاری می گوید که برای عاقد واحد خیار مجلس وجود ندارد چون او هم بایع است و هم مشتری. گروهی از فقها می گویند چون زمان جدا شدن از مجلس را نمی توان برای یک نفر (عاقد واحد) متصور بود لذا حق خیار مجلس وجود نخواهد داشت چون از ظاهر روایت نبوی عنوان بایع و مشتری مستفاد می شود و باید دونفر باشند تا بتوانند از هم جدا شوند.

در این خصوص ۴ نظریه بیان شده است: ۱- تازمانی که شخص از مجلس عقد بیرون نیامده است حق بر هم زدن آن را دارد و با خروج او این حق از بین می رود. ۲- خیار مجلس در این مورد همیشگی است و تا زمانی که شخص عاقد اراده خود را مبنی بر التزام به بیع یا فسخ آن ابراز نکرده است خیار مجلس باقی است. ۳- تا زمانی که وکالت و نمایندگی عاقد از مالک ملک باقی است خیار مجلس نیز استمرار دارد و هر زمان عنوان نمایندگی را از دست بدهد و عنوان اصیل و نمایندگی در او جمع نباشد از لحظه ی از بین رفتن نمایندگی به منزله این است که طرفین از هم جدا شوند بنا بر این در این لحظه خیار مجلس از بین می رود. ۴- در معامله با خود زمان از بین رفتن حق خیار مورد اختلاف است و به نظر می رسد که در این فرض خیار مجلس راه ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۳:۳۲۰).

شیخ انصاری در جمع بندی مطلب چنین می گوید: «و من جمیع ذلک يظهر ضعف القول بثبوته للوکیلین المذكورین كما هو ظاهر الحدائق: و اضعف منه تصميم الحكم لصوره منع الموکل من الفسخ بزعم ان الخيار حق ثبت للعاقد بمجرد اجرائه للعقد فلا يبطل بمنع الموکل...» یعنی از کل مطالب قبلی چنین بر می آید که قول به خیار، برای وکیلی که فقط مجری عقد است و بعضی از فقها از جمله صاحب حدائق قائل بدان هستند، ضعیف است و ضعیف تر از آن قول کسانی است که معتقدند حتی اگر موکل، وکیل را از اعمال خیار منع هم بکند، باز هم وکیل حق اعمال خیار و فسخ معامله را دارد و چرا که اینان تصور کرده اند که خیار مجلس، حقی است برای عاقد و با منع موکل از بین نمی رود که این استدلال، استدلالی ضعیف و غیر قابل قبول است (پایانی، عباسی زنجانی، ۱۳۹۶:۴۸).

در اینجا باید اشاره داشت که اصولاً وکیل دارای همان اختیاراتی می باشد که موکل داراست و تصریحی بر عدم اجرای اختیارات نسبت به وکیل وجود نداشته باشد و بر حسب عرف و عادت وکیل بتواند از خیار مجلس برای حفظ حقوق موکل استفاده نماید. لذا این امر عقلایی به نظر می رسد که وکیل برای رعایت مصلحت و غبطه موکل، اقدام به اعمال خیار مجلس نماید. خصوصاً اینکه در این خصوص

اجماعی بر عدم اختیار وکیل وجود ندارد. خصوصا اگر مصلحت موکل بر این باشد که خیار مجلس اعمال شود، مطابق با ماده ۶۶۷ قانون مدنی وکیل باید در تصرفات و اقدامات خود، مصلحت موکل را مراعات نماید و از آنچه بالصراحه به او اختیار داده یا بر حسب قرائن و عرف و عادت داخل در اختیار اوست تجاوز نکند. افزون بر اینها چه خصوصیته را باید برای معامله توسط وکیل قائل باشیم که در موقع عدم حضور موکلش نتواند از خیار مجلس در حفظ حقوق او استفاده نماید؟ به نظر می رسد در فرض معامله با خود نیز، وجود خیار مجلس در این فرض رجحان داشته باشد. زیرا با بررسی مبانی خیار مجلس و اعتباری بودن جدایی میان بایع و مشتری حتی در فرضی که طرفین معامله، مجلس را ترک می کنند ولی همچنان با یکدیگر اتصال دارند و اراده خود را مبنی بر التزام به بیع یا فسخ آن ابراز نکرده اند، خیار مجلس باقی باشد، به این نتیجه می رسیم که اگرچه قانونگذار در فرضی خیار مجلس را وضع کرده که دو طرف عقد بیع دو شخص جداگانه باشند، ولی چنین حکم کرده که ممکن است یک نفر وکیل طرفین معامله باشد (ماده ۱۹۸ قانون مدنی) و یا برای خود معامله کند و هیچ حکمی بر رد خیار در این فروض، اعلام یا ابراز نکرده است. لذا تا زمانی که طرفین در خصوص عقد بیع با یکدیگر گفتگو می کنند و به صورت ضمنی از مجلس عقد خارج نشده و از یکدیگر جدا نشده اند این حق را که بتوانند عقد بیع را به هم بزنند برای خود حفظ کرده اند. و این امر در موردی که عنوان بایع و مشتری در شخص واحد جمع شده است نیز صادق است. چرا که وقتی ما برای این گونه متبایعین وجود مجلس بیع را قائل هستیم، لذا می توانیم خیار فسخ مجلس را نیز برای آن متصور باشیم. ولی باید توجه داشت که در خیار مجلس، اجتماع فیزیکی طرفین عقد ضرورت ندارد، زیرا همان طور که بیان شد یکی از مسقطات خیار مجلس افتراق ارادی و اعتباری می باشد و هیچ حکمی بر ضرورت افتراق جسمانی در قانون بیان نشده است. همچنین هیچ اجماعی میان فقها بر رد وجود خیار مجلس برای عاقد واحد وجود ندارد و نظرات در این مورد متفاوت هستند بنابراین آنچه در باب خیار مجلس یا ثبوت آن برای متعاملین ضروری است، ارتباط معنوی و فکری متعاملین است نه در کنار هم نشستن و حضور فیزیکی (ایزدی، کاویار، حسنجانی ۱۳۹۲). خیار مجلس اختیاری است که شارع برای طرفین قرار داده تا بتوانند مادامی که با هم در مجلس عقد هستند عقد را فسخ کنند پس نباید با استناد به ظاهر نصوص که نام این خیار را خیار مجلس نامیده است آن را منصرف به عقود ضروری نمود (همان).

### مبحث چهارم- مسقطات خیار فسخ مجلس:

شهید اول در لمعه دمشقیه در کتاب متاجر، مسقطات خیار مجلس را نام می برد:

شرط سقوط خیار مجلس ضمن عقد. ۲- اسقاط خیار مجلس پس از عقد. ۳- جدا شدن اختیاری یکی از متبایعین از دیگری (غرویان، شیروانی، ۱: ۲۴۸: ۱۳۷۳) و در ادامه می افزاید: اگر یکی از متبایعین ملتزم به عقد گردد فقط خیار وی ساقط می شود. زیرا حق یکی از آن دو در فسخ عقد ارتباطی با دیگری ندارد و اگر یکی از آن دو عقد را فسخ و دیگری اجازه کند فسخ کننده مقدم است، اگرچه پس از اجازه باشد، زیرا هدف از قرار دادن خیار قدرت بر فسخ است، و در هر خیار مشترکی همین حکم جاری است. اگر یکی از دو طرف عقد، دیگری را میان فسخ و عدم فسخ مخیر کند و او سکوت کند در این صورت خیار هر دو باقی است (همان، ۲۴۹).

بنابراین برابر ماده ۴۴۸ قانون مدنی می توان سقوط تمام یا برخی از اختیارات را در ضمن عقد شرط نمود. همچنین طرفین پس از عقد نیز می توانند خیار خود را ساقط کنند. اما در قسم سوم باید گفت تحقق جدایی بین متعاقدين بر اساس داوری عرف است هر چند در متون فقهی مصادیقی برای آن ذکر شده است به عنوان مثال چنانچه خریدار و فروشنده مجلس عقد را ترک کنند و از هم جدا شوند در این صورت افتراق و جدایی حاصل شده است. اما چنانچه در حال حرکت عقد بیع را واقع ساخته اند بعضی از فقهاء ( به عنوان مثال شهید ثانی در شرح لمعه در کتاب متاجر) معتقدند دور شدن متعاقدين به اندازه یک قدم از یکدیگر موجب تحقق حالت افتراق شده و خیار مجلس ساقط می شود. در اینجا این نکته را باید اذعان داشت که اگر جدا شدن را در معنای حقیقی آن فقط می دانیم پس جدا شدن به صورت فیزیکی و مجلس عقد بیع فیزیکی حقیقت دارد. اما اگر جدا شدن را امری اعتباری بدانیم، جدا شدن در معنای مجازی آن را نیز پذیرفته ایم و در اینجا جدا شدن مجاز است. بنابراین طرفین معامله تلفنی تا زمانی که تلفن را قطع نکرده اند می توانند معامله را فی المجلس برهم بزنند و اگر مکالمه تمام شد و تلفن خود را قطع کردند دیگر خیار مجلس ایشان ساقط می شود. البته در این مورد باید به نظر عرف توجه داشت.

باید متذکر شویم که منظور از اینکه جدایی طرفین معامله از موجبات سقوط خیار مجلس است این است که افتراق و جدایی با اختیار واراده طرفین باشد در غیر این صورت افتراق موجب سقوط خیار مجلس نمی شود مانند اینکه بین طرفین عقد بیع بر خلاف اراده آنها جدایی افتد. بنابراین افتراق اکراهی مثل جایی که کسی را مجبور کنند که از مجلس عقد جدا شود و یا به او بگویند که حق حرف زدن نداری به چند دلیل خیار ساقط نمی شود یکی از ادله حدیث رفع القلم می باشد که یکی از موارد نه گانه مااستکرها علیه است یعنی چیزی که بر آن اکراه شده اند، لذا افتراق اکراهی این است که یک طرف معامله مجبور به ترک جلسه بدون رضایت او نمایند یا او را مجبور به سکوت در جلسه نمایند و حق و اختیاری نداشته باشد. چنانچه یکی از طرفین معامله در مجلس عقد بیع بمیرد جدایی و افتراق محقق می



شود. مرگ یکی از دو طرف بیع در حکم جدایی است و وارثان متوفی نمی توانند در مجلس عقد حاضر شوند و بیع را فسخ کنند (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۳۲۰). البته در صورتی که قبل از مرگ طرف معامله، وراثت او در مجلس عقد حضور داشته اند پس از مرگ او قائم مقام متوفی محسوب می شوند و می توانند از خیار مجلس استفاده کنند. قبلاً عنایت فرمودید که عنوان افتراق یا تفرق به عنوان مسقط خیار مجلس نمی تواند مطرح باشد بلکه خیار مجلس یک زمانی دارد که با تفرق آن زمان منقضی می شود قهراً خیار هم رخت برمی بندد «البیعان بالخیار ما لم یفترقا» یعنی تا اینکه هیئت اجتماعی متعاقدان، متبایعان هست خیار مجلس هست و وقتی تفرق حاصل شد خیار مجلس رخت برمی بندد نه اینکه افتراق مسقط خیار مجلس باشد. چون افتراق بخش پایانی زمان خیار است پس به عنوان مسقط مطرح نیست. بنابراین ایشان معتقدند که ماده افتراق به صورت اختیاری و ارادی بر ترک مجلس مطرح است و افتراق اکراهی و یا افتراق یکی از متعاملین از مجلس عقد بیع برای امری ضروری به صورت موقت و بازگشت دوباره او و همچنین فراموش کردن احدی از متبایعان که خیار فسخ مجلس داشته و بعد از خروج از مجلس، یادش آمده شامل افتراقی اختیاری و ارادی نیست و تفرق هیئت اجتماعی متعاقدان بوجود نمی آید. همچنین ایشان معتقدند که چون این افتراق ارادی باید باشد لذا به استناد حدیث رفع (رفع عن امتی تسع... «رفع ما استکرها علیه...»، افتراق اکراهی، نسیانی، سهوی و اضطراری را شامل نمی شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸).

۴- طرفین در آنچه در اثر عقد بیع به دست آورده اند تصرف نمایند: تصرف (اعم از حقوقی یا مادی) نیز از موجبات سقوط خیار مجلس است مثلاً اگر مورد معامله مواد خوراکی باشد و خریدار در مجلس عقد شروع به خوردن آن نماید با این تصرف خیار مجلس ساقط می شود. همچنین اگر فروشنده وجهی را که به عنوان ثمن معامله دریافت کرده است در مجلس عقد بابت بدهی خود به شخص دیگری پرداخت کند دلالت بر سقوط خیار مجلس از جانب او می کند.

همچنان که تصرف در مالی که در اثر عقد بیع تحصیل شده است موجب سقوط خیار مجلس می شود ممکن است تصرف نشانه ی اعمال خیار مجلس و فسخ عقد بیع باشد. مانند اینکه فروشنده در آنچه که فروخته است در مجلس عقد تصرف مالکانه نماید. مثلاً مجدداً همان کالا را به شخص دیگری بفروشد یا اگر مورد معامله مواد غذایی است در مجلس عقد آن را مصرف نماید که این نشان دهنده اعمال خیار فسخ می باشد.

در شرط سقوط خیار مجلس در ضمن عقد بنابر نظر شیخ انصاری اگر طرفین شرط کردند که خیار مجلس ساقط شوند و طرفین باید بالعقد که به معنای اوفوا بالشروط نیز می باشد. خیار ساقط می شود و طرفین باید طبق المؤمنون عندالشروطهم به شرط خود عمل کنند که نتیجه آن سقوط خیار مجلس است لذا عقد لازم می گردد. (پایانی، عباسی زنجانی، ۱۳۹۶: ۸۰). در اسقاط خیار مجلس بعد از عقد بنابر نظر شیخ انصاری، مسقط حقیقی خیار مجلس همین است چرا که در صورت اسقاط خیار به معنی رضایت دادن به بیع است و بنابر قاعده هر ذی حقی می تواند حق خود را اسقاط کند و قاعده عبارت است از الناس مسلطون علی اموالهم و مثل این است که در ضمن عقد ذکر شده باشد (همان، ۹۶).

۵- در صورتی که یکی از متعاقدين بگوید اختر: در این خصوص گفته شده است که اگر یکی از متعاقدين بگوید اختر و طرف دیگر معامله سکوت کند و اعمال خیار نکنند خیارش ساقط نیست چون سکوت اعم از رضا و یا عدم رضا می باشد. اگر اختر تملیک خیار باشد خیار آمد ساقط است و اگر منظور تفویض خیار باشد باز هم خیار آمد ساقط است ولی اگر هدف کشف حال و نیت طرف باشد که قصد فسخ دارد یا خیر؟ چنین خیار ساقط نمی باشد (غروی، شیروانی، ۱۳۷۳: ۲۴۹).

۶- تصرف در عوضین: هر تصرفی مسقط خیار نیست بلکه اگر تصرف مالکانه باشد مثل این که چیزی را خریداری نماید و می خواهد آن را بررسی کند. بنابراین تصرفاتی که به قصد بررسی و اختیار باشد باعث سقوط خیار مجلس نمی گردد. اما اگر تصرف مالکانه باشد خیار ساقط است مثل این که حیوان را بخرد و اختیار دیگری قرار دهد و آن شخص بر آن سوار شود که به محض سوار شدن، خیار ساقط می شود (پایانی، عباسی زنجانی، ۱۳۹۶: ۱۲۳).

مبحث پنجم- مستثنیات خیار مجلس:

با بررسی موارد استثناء شده در خیار مجلس توسط فقها ملاحظه می شود که موارد معدود و احصاء شده می باشند. در حقیقت غیر از موارد استثنا شده، حکم خیار مجلس شامل تمام فروع خارج از این موارد می باشد.

۱- در بیع عمودین خیار مجلس وجود ندارد یعنی این که اگر کسی عیدی را خریداری کند که پدر یا مادر و یا جد و یا جده او هستند و یا فرزند یا نوه او باشد که بلافاصله پس از تملیک آزاد می شوند، لذا خیار مجلس وجود ندارد.

۲- کسی که خودش را از مولایش بخرد خیار مجلس ندارد چون به محض ایجاب و قبول تملیک به وجود می آید.

۳- اگر عبد مسلمانی از کافر خریداری شود خیار مجلس وجود ندارد.

۴- بیع کالائی که دارای ثبات و دوام نیست مانند خرید و فروش یخ در تابستان (پایانی، عباسی زنجانی، ۱۳۹۶: ۷۳-۶۰).

## نتیجه گیری

۱- شناخت و تشخیص مفهوم جدایی بین متبایعین بر اساس عرف است. هر چند در متون فقهی مصادیقی برای آن ذکر شده است. به عنوان مثال چنانچه خریدار و فروشنده مجلس عقد را ترک کنند و از هم جدا شوند، در این صورت افتراق و جدایی حاصل شده است، اما چنانچه در حال حرکت عقد بیع را واقع ساخته اند بعضی از فقهاء ( به عنوان مثال شهید ثانی در شرح لمعه در کتاب متاجر) معتقدند دور شدن متعاقدين به اندازه یک قدم از یکدیگر موجب تحقق حالت افتراق شده و خيار مجلس ساقط می شود. در اینجا این نکته را باید اذعان داشت که اگر جدا شدن را فقط در معنای حقیقی آن بدانیم، پس جدا شدن به صورت فیزیکی، در این معنا حقیقت دارد. اما اگر جدا شدن را امری اعتباری بدانیم، پس جدا شدن در معنای مجازی آن را نیز پذیرفته ایم و در اینجا جدا شدن، در معنای مجازی آن آمده است. بنابراین بر اساس عرف تجاری، طرفین معامله تلفنی تا زمانی که تلفن را قطع نکرده اند می توانند معامله را فی المجلس برهم بزنند و اگر مکالمه (با اراده طرفین) تمام شد و تلفن خود را قطع کردند، دیگر خيار مجلس ایشان ساقط می شود. در معاملات الکترونیکی نیز با توجه به وجود واسطه های الکترونیکی و وجود تالارهای معاملاتی که تمام تغییرات در آنها ثبت و ضبط می گردد، می توان برای این گونه معاملات نیز مجلس عقد و خيار مجلس را در نظر گرفت. با توجه به اینکه در قانون تجارت الکترونیک برای مصرف کننده از زمان واقع شدن خرید الکترونیکی، این حق در نظر گرفته شده تا مشتری ۷ روز نسبت به فسخ معامله و استرداد یا عودت کالا اقدام کند، در حقیقت قانونگذار حقی افزون بر خيار مجلس برای مصرف کننده در نظر گرفته است. لذا به نظر می رسد که قانونگذار حساسیت بیشتری برای این گونه معاملات در نظر گرفته است و مسلماً اگر مشتری فی المجلس با ارسال کد انصراف از خرید معامله را فسخ کند، هیچ الزامی به صبر کردن در مدت اشاره شده برای مشتری وجود نخواهد داشت. هنگامیکه خيار مجلس در عقد بیع بصورت فیزیکی در عالم خارج وجود دارد و به راحتی می توان عقد بیع را تا قبل از ترک مجلس بر هم زد، چرا باید در بیع تلفنی یا الکترونیکی طرفین را ملزم به عقد بیع انجام شده دانست و طرفین را از این حق خود (اعمال خيار فسخ مجلس) محروم ساخت؟! برای مثال اگر فروشنده ای کالای خود را از طریق اینترنت به خریدار خود بفروشد و به دلیل اینکه این کالاها به صرف اینکه از طریق اینترنت خریداری شده اند، مشتری باید متضرر گردد و از حقوق خود محروم شود؟ بدن شک هیچ فقهی چنین قاعده ای را قبول نمی کند. چرا که روش انعقاد عقد، تأثیری در حقوق طرفین قرارداد ایجاد نمی نماید. باتوجه به مطالب ذکر شده در توجیه وجود خيار مجلس در معاملات الکترونیکی و یا تلفنی و معتبر دانستن این گونه از معاملات توسط قانونگذار می توان قائل به وجود مجلس اعتباری یا مجازی برای عقد بیع و تبعا خيار مجلس و اعمال آن برای طرفین معامله بود. لذا چون امروزه این گونه معاملات را بیع می دانیم بنابراین قائل شدن خيار مجلس برای طرفین معامله دور از تصور نخواهد بود.

در رابطه با وکالت در اعمال خيار مجلس از سوی موکل وقتی وکیل به صراحت دارای این اختیار باشد، اختلافی میان حقوقدانان یا فقها وجود ندارد. ولی در موردی که وکیل دارای اختیار در خرید و فروش از سوی موکل می باشد و این اختیارات مطلق بوده، اختلاف وجود دارد. اما باید گفت مستندا به ماده ۶۶۷ قانون مدنی وکیل باید در تصرفات و اقدامات خود، مصلحت موکل را مراعات نماید و از آنچه بالصرافه به او اختیار داده یا بر حسب قرائن و عرف و عادت داخل در اختیار اوست تجاوز نکند. لذا وکیل باید با رعایت مصلحت موکل و اینکه اعمال خيار به نفع او می باشد اقدام به آن نماید. براساس عرف و عادت نیز وکیل، اختیار فسخ عقد در مجلس را دارد. مگر اینکه این اختیار از او سلب شده باشد. در مورد وکالت در معامله با خود نیز مستندا به ماده ۱۹۸ قانون مدنی که در این خصوص مقرر می دارد: «ممکن است طرفین یا یکی از آنها به وکالت از غیر اقدام بنماید و نیز ممکن است یک نفر به وکالت از طرفین متعاملین این اقدام را به عمل آورد. اولاً قانونگذار این گونه معاملات را به صراحت مشروع دانسته، ثانياً قانونگذار هیچ حکمی بر رد اعمال خيار توسط وکیل در این فروض، اعلام یا ابراز نکرده است. لذا زمانی که طرفین در خصوص عقد بیع با یکدیگر گفتگو می کنند، به صورت ضمنی تا زمانی که از مجلس عقد خارج نشده و از یکدیگر جدا نشده اند این حق را که بتوانند عقد بیع را به هم بزنند برای خود حفظ کرده اند. و این امر در موردی که عنوان بایع و مشتری در شخص واحد جمع شده باشد نیز صادق است. چرا که وقتی ما برای این گونه متبایعین وجود مجلس بیع را قائل هستیم، و وکیل می تواند از ناحیه طرفین، صیغه عقد بیع را جاری نماید، پس او می تواند فی المجلس و بنابر مصلحت موکل یا موکلین خود، عقد را منحل کند و یا در جایی که از طرف موکلش با خود معامله می کند به منظور جلوگیری از تضرر خود در مقام بایع یا مشتری و یا رفع ضرر از موکلش، خيار فسخ مجلس را اعمال نماید. ولی همانطوریکه اشاره شد در خيار مجلس، اجتماع فیزیکی طرفین عقد ضرورت ندارد، زیرا یکی از مسقطات خيار مجلس، افتراق ((ارادی)) و ((اعتباری)) می باشد و هیچ حکمی بر ضرورت افتراق جسمانی در قانون بیان نشده است.



## منابع و مراجع

- [۱] کاتوزیان ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۳
- [۲] کاتوزیان ناصر، قواعد عمومی قراردادها جلد ۵، انحلال قرارداد، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۵، تهران
- [۳] جعفری لنگرودی محمد جعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، جلد ۳، گنج دانش، تهران ۱۳۸۷،
- [۴] دادمرزی سید مهدی، فقه استدلالی (ترجمه تحریر الروضه فی شرح الروضه) جلد ۲، کتاب طه. قم ۱۳۹۶،
- [۵] پایانی احمد، عباسی زنجانی محمد مسعود، ترجمه و تصحیح مکاسب شیخ انصاری، جلد ۹، دارالعلم، قم ۱۳۹۶
- [۶] کیایی عبدالله، قانون مدنی و فتاوی امام خمینی در تحریر الوسیله، جلد اول، سمت، تهران، ۱۳۸۸
- [۷] غرویان محسن، شیروانی علی، ترجمه و تبیین لمعه دمشقیه شهید اول ج ۱، دارالفکر، قم ۱۳۷۳
- [۸] بروجردی عبده محمد، کلیات حقوق اسلامی، دانشگاه تهران، ۱۳۳۹، تهران
- [۹] ایزدی علی اکبر، کاویار حسین، حسنجانی علی، مقاله: خیار مجلس در قراردادهای الکترونیکی، مجله حقوقی دادگستری شماره ۸۱ بهار ۱۳۹۲ تهران
- [۱۰] خانمی سید رضا، مقاله ی ماهیت خصوصیات و سقوط خیار مجلس، ماهنامه کانون (بی تا). منتشر شده در پرتال جامع علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی [ensani.ir/fa/article/download/158069](http://ensani.ir/fa/article/download/158069)
- [۱۱] رثوف کمال، مقاله ی نقش قاضی در تعدیل و تفسیر قراردادهای خصوصی در حقوق ایران و فرانسه، مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات، نشر الکترونیکی، سال چهارم، شماره ۱۳، جلد دوم، تهران، پاییز ۱۳۹۷،
- [۱۲] جوادی آملی عبدالله، تقریرات درس خارج فقه مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۲۲، حوزه علمیه قم <http://www.eshia.ir/Feqh/Archive/Javadi/Feqh/88>
- [۱۳] دادمرزی سید مهدی، جزوه موردی در باب خیارات (متون فقه) خلاصه ای از مباحث مهم باب خیارات، منبع عربی تحریر الروضه منبع فارسی فقه استدلالی [www.hoquqzan.blogfa.com](http://www.hoquqzan.blogfa.com)
- [۱۴] مختاری مهدی، سایت حقوق تبیان. بررسی خیار مجلس در قوانین موضوعه، آرشیو مرداد ۱۳۹۴. <https://article.tebyan.net/229784>